



## چهار دهه تجاوز، اشغالگری، ستم و جنایت در افغانستان

با فرارسیدن امروز هفتم ثور ۱۳۹۷ ش، درست چهل سال از روز کودتای نظامی مزدوران سوسیال امپریالیسم متجاوز روس و آغاز سروری کاذب باند های میهن فروش و جلاد "خلق و پرچم" گذشت. این چهار دهه اخیر تاریخ معاصر کشور ما به دوسیه قطوری می ماند که در آن کارنامه های زیادی از اشغالگری امپریالیستی، تجاوز، جنگ و جنایت، ستم، زندان، شکنجه، اعدام، بمبارد، پولیگون، گور های دسته جمعی، خالی ساختن روستا ها از سکنه، کوچاندن اجباری، تجاوز، سنگسار و... انباشته است. این جنایات فجیع تکرار شده از ۴۰ سال قبل تا همین امروز در حق کشور ما و مردم ستمدیده آن، بدون مؤاخذه و محاسبه باقی مانده است. این جنایات هول انگیز چهل ساله در افغانستان توسط سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس، جلادان "خلق و پرچم"، ارتجاع مزدور بومی تنظیمی و تکنوکرات، دول و محافل مرتجع و آزمند منطقه و امپریالیست های متجاوز امریکا و ناتو اعمال شده است.

کودتای هفتم ثور، دو بار اشغال نظامی کشور، سلطه خونین ارتجاع جهادی - طالبی و اشغال جاری کشور ما افغانستان و تداوم جنگ ویرانگر تجاوزکارانه و رقابتی امپریالیستی با همه تبعات مخرب ناشی از آن؛ نتیجه و تکامل مداخلات نواستعماری و سپس تجاوز مستقیم نظامی سوسیال امپریالیسم توسعه طلب روس، تحرکات توسعه جویانه و رقابتی امپریالیست های متجاوز امریکا و ناتو، دول ارتجاعی منطقه و دگرگونی های تا کنونی در مناسبات دول امپریالیستی و تغییر توازن قواء میان آن دول و پیمان های نظامی در سطح جهانی، بوده است.

کودتای خونبار ۷ ثور در چهارچوب توسعه جوئی تزاران نوین، مزدوران "خلق و پرچم" را بر کشور ما حاکم ساخت. اعمال سیاست فاشیستی، زندان، شکنجه، اعدام و کشتار دسته جمعی آنان طی ۲۰ ماه نخست حاکمیت خونین این جلادان، مزید بر آگاهی مردم و انقلابیون افغانستان از اهداف استعماری روس رهن و ماهیت انقیاد طلبانه مزدوران "خلق و پرچم"؛ در آستانه سقوط رژیم جلاد کودتا زمینه ساز اشغالگری روس اشغالگر شده و پای خرس قطبی را به معرکه افغانستان کشانید.

اشغال نظامی کشور ما در مرحله تکاملی جنایت ۷ ثور، رستاخیز افغانستان شمول توده ئی با مضمون آزادیخواهانه و دموکرتیک را در برابر اشغال و اشغالگر و ایادی خودفرخته آن برانگیخت که در نهایت به همراه عوامل بیرونی دیگر به طرد اشغالگران روسی و سرنگونی رژیم مزدور "خلق و پرچم" انجامید. اشغال نظامی روس افغانستان را به یکبارگی به محراق توجه و کانون تضاد های جهانی مبدل کرده و بالآخر آن تضاد های امپریالیسم جهانی در اوج جنگ سرد میان دو بلوک امپریالیستی حدت بی سابقه ای یافت.

روس اشغالگر پس از یک دهه اشغالگری، جنگ، کشتار، ویرانگری و جنایت و سرکوب مردم و نیروهای ملی - انقلابی در کشور ما، به اثر مقاومت حماسی سرتاسری مردم افغانستان و کارکرد تضاد های امپریالیستی و تضاد های درونی امپراتوری "شوروی"، در میدان جنگ افغانستان از پا درآمده، به شکستش اعتراف کرده و در غیاب تمثیل اراده ملی مردم افغانستان از کانال یک زعامت ملی - مترقی، جا را به رقبای امپریالیستی و دار دسته ارتجاع جهادی مورد حمایت غرب خالی کرده و متعاقب آن ارکان رژیم مزدور محصول تجاوزش نیز فرو ریخت. شکست روس اشغالگر در افغانستان، در جنب سائر عوامل درونی و بیرونی، تجزیه و نابودی امپراتوری "شوروی" را در پی آورد.

علاوه از سرکوب و تضعیف عامدانه نیروهای ملی - انقلابی کشور ما توسط روس متجاوز و مزدوران "خلقی و پرچمی" اش، دار و دسته های متشدد و مزدور اخوانی نیز از بدو فعالیت شان، بنا بر ماهیت گندیده و سراپا ارتجاعی، الزامات سیاسی، مطامع استعماری و امکانات مادی - تسلیحاتی حامیان مرتجع و امپریالیست بیرونی شان؛ با سرکوب بیشتر نیروهای دارای اصالت ملی - مترقی کشور، جنگ مقاومت ملی را در مقطعی از رشدش از مضمون دموکراتیک و انقلابی آن تهی ساخته و هدف آن را با اهداف یک جانب جنگ سرد گره زدند.

پیروزی مجاهدان شریب تنظیمی و اربابان بیرونی شان بر روس و مزدورانش در پروسه ۸ ثوری در موقعیت نیمه مستعمراتی کشور ما با جنگ قدرت، وحشت، دهشت، ویرانگری، کشتار، خونریزی، مداخلات مکرر بیرونی و ده ها جنایت دیگر آغاز شد. این انارشی و جنگ قدرت تنظیم های اسلامی - ملیشایی در امتداد تضاد منافع بیگانگان مغرض در خلاء ایجاد شده در منطقه پس از تجزیه "شوروی" و دول اقمارش در آستانه هجوم همه جانبه غرب به سوی شرق، زمینه ساز تشکیل نظام دار و تازیانه مزدوران دیگر امپریالیست های غربی و ارتجاع عرب و عجم، یعنی رژیم طالبان شد. طالبان اجیری که عملکرد شان از اول کار تا ایندم در وطن فروشی، قساوت، جنایت، ستمگری، ویرانگری، دشمنی با مظاهر فرهنگ و دانش و نیم نفوس کشور؛ کمتر از عملکرد جنایتکارانه برادران مجاهد اخوانی شان در حق مادر وطن و فرزندان مظلوم آن نبوده است.

بر این زمینه ها و اهداف توسعه جویانه امپریالیست های امریکا و ناتو، متعاقب حادثه تروریستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، کشور ما به بهانه نابودی مخلوق غرب، یعنی سازمان تروریستی القاعده و سرنگونی حامی آن دولت طالبان، نیروهای اشغالگر دولت امریکا با متحدان ناتوی شان کشور ما را در ۷ اکتوبر همان سال اشغال نظامی کردند. اشغالگران متعاقب تجاوز شان دولت مستعمراتی ای را از میان پیاده نظام اخوانی - ملیشایی، بقایای باند های وطن فروش حرفه ئی "خلق و پرچم" و تکنوکرات های خودفروخته مقیم غرب تعبیه نموده و به ارگ غلامان کابل گسیل داشتند.

در نتیجه، هفده سال آزرگار است که کشور محبوب ما افغانستان در موقعیت مستعمراتی قرار داشته و تحت سیطره جابر و قهار امپریالیست های اشغالگر بوده است. طی این مدت سیاست و عملکرد امپریالیسم اشغالگر و دولت مزدور کابل که به زور اشغالگران به دوش زخمی مردم سوار است، سیاست و عملکردی بوده است سراپا استعماری، سرکوبگرانه، ستمگرانه، تاراجگرانه و جنگ آن جنگی است تجاوزگرانه و توسعه جویانه با اهداف چند اقتصادی، سیاسی و نظامی.

اوضاع جاری ابتر، پیچیده، متلاطم، مختنق و نابسامان کشور در موقعیت مستعمراتی، نتیجه اشغال نظامی، جنگ مستقیم تجاوزکارانه و غیرمستقیم رقابتی امپریالیست های اشغالگر امریکا - ناتو و رقبای امپریالیست و مرتجع منطقه ئی شان در کشور ما است. بناءً، در دو سوی این جنگ ارتجاعی و جنایتکارانه امپریالیستی - ارتجاعی، نیروهای مرتجع

و مزدوری می‌جنگند که در دایره اهداف و منافع پلید استعماری - ارتجاعی قرار دارند. جنگ نیروهای ارتجاعی و مزدور در حال ستیز مثل طالبان و داعشیان با نیروهای اشغالگر و دولت مزدور شان به هیچ وجه مضمون ملی - دموکراتیک ندارد. این یکی مولود استعمارگر، از موضع منافع استعماری - ارتجاعی دیگری در تخاصم با اشغالگر است و آن دیگری که خود نیز مخلوق اشغالگر است، در نقش ابزار بی اراده، در تخالف ظاهری با ارباب اشغالگرش قرار دارد.

یکی از تبعات تجاوز روس و مظاهر دشمنی آشکار آن و مزدوران بومی اش با مردم و نیروهای ملی، دموکرات و انقلابی افغانستان، ضربت زدن این نیروها، راه باز کردن به ارتجاع هار اسلامی و تقویت آن بود. چنان چه از فردای شکست روس و مزدورانش تا همین امروز، نیروهای فرتوت و تاریخ زده مرتجع و مزدور اسلامیت در غیابت نیروهای ملی - مترقی از صحنه، جان گرفته، تقویت شده و با رسیدن به قدرت در پناه معاضدت روس و حمایت اربابان امپریالیست، در عین خدمت به استعمارگران متجاوز غرب، ارزش های فرتوت، میرنده و ارتجاعی فئودالی را در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی احیاء کردند.

به رغم گذشت چهار دهه، هنوز هم پایانی برای تجاوز، اشغالگری، ستم و جنایت در افغانستان اشغالی متصور نیست. در این اوضاع مختنق، متشنج و بحرانی کشور اشغال شده و جنگ زده ما که آلام و مصائب مردم ستمکش آن از حد گذشته است، راه نجات مردم و کشور از شر سلطه و ستم چند لایه استعماری - ارتجاعی، عبارت است از همسوئی، انسجام و بسیج مردمی برای گرفتن تعیین سرنوشت شان به دست خود. تدارک و کاربست اشکال و ابزار بسیج و خیزش مردمی در سطوح ممکنه علیه امپریالیسم اشغالگر و ارتجاع بومی مؤید آن، هم رسالت خطیر کلیه نیروهای ملی، دموکرات و انقلابی کشور ما است.

مرگ بر ارتجاع ۷ و ۸ ثوری!

مرگ بر امپریالیسم اشغالگر!

در اهتزاز باد درفش مبارزه ضد استعماری و ضد ارتجاعی!

نیرومند باد وحدت رزمجویانه مردم در برابر استعمار و ارتجاع!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۷ ثور ۱۳۹۷ شمسی